

به نام خدا

بررسی معناشناسی واژه صلاة در قرآن کریم از دیدگاه مفسران و زبان شناسان

مؤلف :

زهرة خبازی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : خبازی، زهره، ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور : بررسی معناشناسی واژه صلاة در قرآن کریم از دیدگاه مفسران و زبان شناسان/مؤلف زهره خبازی.
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۱۱۳ ص.
شابک : ۰-۵۰۳-۴۰۸-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : واژه صلاة - معناشناسی - قرآن کریم - مفسران - زبان شناسان
رده بندی کنگره : RJ۵۲۹
رده بندی دیویی : ۶۱۸/۹۲۸۵۹۰۵
شماره کتابشناسی ملی : ۹۸۰۲۴۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : بررسی معناشناسی واژه صلاة در قرآن کریم از دیدگاه مفسران و زبان شناسان

مؤلف : زهره خبازی

ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۳

چاپ : زبرجد

قیمت : ۱۱۳۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۰-۵۰۳-۴۰۸-۶۲۲-۹۷۸

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست

۵.....	فصل اول کلیات
۵.....	مقدمه
۷.....	بیان مسئله
۹.....	فصل دوم معنانشناسی واژه «صلوة»
۹.....	مقدمه
۹.....	معنانشناسی واژگان قرآنی
۱۱.....	نگاهی به ساختار معنایی قرآن
۱۴.....	معنانشناسی قرآن کریم
۱۷.....	ریشه کلمه «صلوة»
۲۲.....	تعریف «صلوة»
۲۳.....	صلوة اسلام
۲۴.....	معنانشناسی تاریخی (زمان گذر) و توصیفی (هم زمان)
۲۶.....	حوزه‌های معنایی «صلوة» در کاربرد قرآنی
۲۶.....	حوزه معنایی «صلوة» بر محور جانشینی
۳۴.....	رابطه جزء واژگی «صلوة» با رکوع، سجود، قیام و قنوت
۳۵.....	حوزه معنایی صلوة بر محور جانشینی بر اساس ذکر جزء و اراده کل
۳۹.....	حوزه معنایی صلوة بر محور هم نشینی
۴۸.....	آیات مربوط به واژه صلوة از نگاه معنی شناختی
۵۱.....	فصل سوم بررسی معنای واژه الصلوة در آیات قرآن
۵۱.....	مقدمه

فصل چهارم دیدگاه مفسران و زبان شناسان درباره واژه «صلوة» ۱۰۳

مقدمه ۱۰۳

آراء اهل فن و مفسران درباره واژه «صلوة» ۱۰۳

نگاهی به معانی قرآنی واژه «الصلاة» در برخی از سوره‌های قرآن با توجه ترجمه

برخی از مترجمان کهن و معاصر ۱۰۸

منابع و مآخذ فارسی ۱۱۱

منابع و مآخذ عربی ۱۱۲

فصل اول

کلیات

مقدمه

میان کلمات و جملات آیات قرآن پیوستگی معنایی خاصی برقرار است و همگی از جانب خداوند حکیم برای القای پیامی ویژه ترتیب یافته‌اند. پیوستگی میان مفاهیم آیات به جملات آن منحصر نمی‌شود، بلکه میان مفردات آن نیز پیوندهای معنایی ویژه‌ای برقرار است؛ هر واژه جایگاه خاص خود را دارد و معنای خود را در ارتباط با سایر واژگان قرآن بازمی‌یابد؛ به طوری که نقطه آغاز فهم معارف قرآن، شناخت صحیح معنای واژگان آن است.

در معناشناسی تاریخی به معنای اصلی ماده «صلوة» با استناد به اشعار عصر جاهلی، کتب تاریخی و تفسیری توجه شده است. در معناشناسی توصیفی نیز ارتباط معنایی واژه «صلوة» با واژه‌های هم‌نشین و جانشین در قرآن بررسی شده است.

کاربرد واژگان عربی در متن وحی قرآنی در چند گروه یعنی: مفهوم لغوی، معنای عرفی، معنای لغوی و عرف خاص قرآنی هر دو و نیز معنای خاص قرآنی قابل دسته‌بندی است.

راهکار شناخت معنا در الفاظ قرآن، یک راهکار پلکانی است که باید سه عنصر به‌طور متوالی در نظر گرفته شود.

نخست آن که باید معنای وضعی و لغوی کلمه مورد توجه قرار گیرد.

دوم آن که به منظور دست‌یابی به معنای عرفی کلمات، فرهنگ پیش از نزول قرآن مورد مطالعه واقع شود.

و سوم آن که افزون بر دو عنصر پیشین، بافت و سیاق قرآن که وایه در آن قرار دارد، در نظر گرفته شود و مورد کنجکاوی قرار گیرد.

واژه «صلوة» می‌تواند دارای سه ریشه باشد، ۱) از ریشه ص-ل-ل: شراب را از صافی می‌گذرانند و آن گاه ماده ای روشن و شفاف به دست می‌آورند؛ ۲) از ریشه ص-ل-ی: سوزانیدن و گرم کردن؛ ۳) از ریشه و-ص-ل: ایجاد اتصال و ارتباط (نوروزی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶). واژه «صلوة» به همراه مشتقاتش ۹۹ بار در قرآن تکرار شده است.

اصل «صلوة» برای دعا بوده و از باب نامگذاری کل به اجزایش، بر نماز که بخشی از اجزای آن دعا است، اطلاق گشته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۳). این واژه در اصطلاح بر عبادتی مخصوص با کیفیتی خاص اطلاق می‌شود (قرشی، ۱۳۶۱، ص ۳۴۰). مطالعه توصیفی نیز نشان می‌دهد که «صلوة» در کاربرد وحیانی بر محور جانیشینی با واژه‌هایی مانند دعا، ذکر، تسبیح و بر محور هم‌نشینی با واژه‌هایی مانند اقامه، صبر، خاشعون در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد.

در مقاله حاضر ابتدا ریشه «صلوة» و مشتقات آن در قرآن کریم، سپس معناشناسی تاریخی (زمان گذر) و توصیفی (هم زمان) و آیات مربوط به واژه «صلوة» از نگاه معنی شناختی و پس از آن به بررسی نظریه های اهل فن درباره واژه «صلوة» پرداخته شده است.

بیان مسئله

میان کلمات و جملات آیات قرآن پیوستگی معنایی خاصی برقرار است و همگی از جانب خداوند حکیم برای القای پیامی ویژه ترتیب یافته‌اند. پیوستگی میان مفاهیم آیات به جملات آن منحصر نمی‌شود، بلکه میان مفردات آن نیز پیوندهای معنایی ویژه‌ای برقرار است؛ هر واژه جایگاه خاص خود را دارد و معنای خود را در ارتباط با سایر واژگان برقرار است؛ این ارتباط‌های معنایی مطمح مورد نظر زبان‌شناسان غیرمسلمان نیز شده است. باور آنان بر این است که معنای هر واژه با شناخت جایگاه دقیق معنایی آن با توجه به جهان‌بینی قرآن و بررسی ارتباط آن با واژگان دیگر قابل کشف است. میان کلمات و جملات آیات قرآن پیوستگی معنایی خاصی برقرار است و همگی از جانب خداوند حکیم برای القای پیامی ویژه ترتیب یافته‌اند. دریافت مفهوم دقیق واژگان قرآنی، نخستین و اساسی‌ترین گرده‌ای است که بدون گذر از آن، رسیدن به قله فهم قرآن امکان‌پذیر نخواهد بود. مفسران و قرآن‌پژوهان در خصوص واژه «صلوة» و اهمیت انکارناپذیر آن در معارف قرآن، تحقیقات ارزشمندی صورت داده‌اند و آن را در معانی متعددی از جمله عبادت خاصه مسلمانان، عبادتگاه و دعا استعمال نموده‌اند، ولی با رویکرد معناشناسی آن مطالعاتی اندک صورت گرفته است. از این رو در این پایان‌نامه سعی بر آن است که مواردی مبنی بر معناشناسی واژه «صلوة» و نظریه‌های اهل فن درباره واژه «صلوة» جمع‌آوری و ارائه گردد.

فصل دوم

معناشناسی واژه «صلوة»

مقدمه

طبق برخی شواهد تاریخی، پیشینه کاربرد واژه «صلوة» در معنای عبادت مخصوص به سال‌ها پیش از اسلام باز می‌گردد. این شواهد حاکی از آن است که واژه «صلوة» به معنای نوعی نیایش و عبادت در زبان‌های آرامی، سریانی و عبری وجود داشته است. عرب جاهلی و مشرکان عصر نزول، «صلوة» را به معنای عبادت مخصوص می‌شناختند و با شنیدن امر «صلوة» در نخستین آیات حوی، مبهوت نمی‌ماندند، بلکه تنها شکل اقامه نماز در آیین اسلام برای آنان تازه و ناشناخته بود. واژه کانونی «صلوة» در قرآن با واژگان بسیاری چون ذکر، دعا، تسبیح، ذکر و نسک بر محور جانشینی در یک حوزه معنای قرار می‌گیرد.

حاصل مطالعه‌ی تاریخی اینکه اعراب جاهلی «صلوة» را نوعی نیایش و عبادت می‌شناخته‌اند. مطالعه‌ی توصیفی نیز نشان می‌دهد که «صلوة» در کاربرد وحیانی بر محور جانشینی با واژه‌هایی مانند دعا، ذکر، تسبیح و بر محور هم‌نشینی با واژه‌هایی مانند اقامه، صبر، خاشعون در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد.

معناشناسی واژگان قرآنی

فایده «زبان‌شناسی»^۱ شناخت چگونگی کارکرد زبان است و بسیار طبیعی است وقتی زبان ابعاد ولایه‌های گوناگونی پیدا می‌کند. زبان‌شناسی نیز باید خود را به اندازه پیچیدگی زبانی گسترده سازد تا بتواند همه کشف و شناخت زبان را پوشش دهد.

^۱ linguistics

«معناشناسی»^۱ نیز کارکشف ساز و کارهای معنا را با مطالعه ای علمی به عهده دارد، معنایی که در پس لایه های متن ذخیره شده و هرچه متن پیچیده تر، ادبی تر، چند لایه تر و درصد انتقال معانی بیشتر، با حجم زبانی کمتر باشد، کار معناشناسی نیز به همان میزان سخت تر و پرهیجان تر می شود و نیاز به قواعد منظم و قانون های منسجم بیشتر رخ می نماید.

به خلاف معناشناسی یا سمانتیک که در آن معنی در گرو قصد گوینده است و مخاطب سعی می کند آنچه را گوینده آن، نهی، فاقد معنا معنی و غیرقابل صدق و کذب است و به متن به مثابه اثر نظاره می شود، در فضای هرمنوتیکی لزومی ندارد معنی را در گرو قصد گوینده بدانیم معنی نصیبی است که به مخاطب می رسد و مهم فهم مخاطب است پس به تعداد افراد، پیام وجود دارد و به متن به مثابه متن نگریسته می شود. حال سوال این است: مخاطب چگونه به فهم متن می رسد؟ چرا فردی از یک متن بهره مند می شود و دیگری نه؟ مخاطب مجموعه ای از پایه های شناختی، هیجانی ذهنیتی و منشی، فرهنگ، تمدن اعتقادات و دانسته ها را در خود عجین کرده است. (پیش ذهن) از رازها و نیازهای متنوع برخوردار است و با هزاران نیاز روی به پیام می آورد.

اگرچه متن، فرآورده ذهنیت مؤلف است اما به مجرد آنکه به صورتیک متن به دست خواننده می افتد، یک معنای خاص کسب می کند. در هر متنی می توان چهار عنصر را لحاظ کرد: ثبات معنی، جدایی آن از قصد فکری مولف، نمایان کردن دلالت های نا آشکار و گسترده کلی مخاطبان. ارتباط مخاطب با متن و پیام، بر مبنای نیازها صورت می گردد. هرچه نیازهای اصیل را در متن ببینیم، رابطه ای ژرف تر با آن پیدا می کنیم و شعاع مخاطبان با پیام بیشتر می گردد. در واقع متن به یک معنا مخاطب را تفسیر می کند. او را به او نشان می دهد و از رازها و نیازهای وی سخن می گوید. هر چند خود را در متن بیشتر مکشوف کنیم با آن بیشتر ارتباط مفهومی یافته ایم (قراملکی، ۱۳۸۰، صص ۲۰۵-۲۰۷).

^۱ semantic

نگاهی به ساختار معنایی قرآن

متن «قرآن» متنی سرشار از پیچیدگی‌های زبانی معنایی است که در زمانی مشخص و در بستر فرهنگی-تاریخی خاصی نازل شده است؛ اما بنا به اعتقاد رایج حوزه مباحث تفسیری نوع بیاننش، زمان‌مند و مکان‌مند است و برای همین در چارچوب‌های حاکم بر فضای نزولش محدود نشده است و زیر چتر هیچ فرهنگ یا قومیتی نرفته است؛ اما آنها را نیز در بیان خویش لحاظ کرده است.

از سویی دیگر ویژگی این متن آن است که کمتر به موضوعی یک‌جا و در کنار هم پرداخته است بلکه هم به دلیل حکمت الهی^۱ و هم به دلیل سیرتاریخی نزولش که در مناسبت‌ها و موقعیت‌های مختلف طی مدت ۲۳ سال، آرام آرام شکل گرفته، هربار و در هر بخش (یا سوره^۲) به موضوعاتی متنوعی پرداخته است. حاصل اینگونه شکل‌گیری توزیع موضوعات در سراسر متن است پس اگر کسی بخواهد معنای خاصی را از قرآن کشف کند باید نگاهی کلی‌نگر به همه متن داشته باشد و هر زاویه را در گوشه از ساحت‌های قرآن جستجو کند.

همچنین می‌دانیم که در نگاهی تفسیری کثرت و پراکندگی ظاهری آیات، حول یک محور و معنای واحد و در یک فضای یکدست شکل گرفته است، یعنی یک نقطه متمرکز معنایی و یکدست و به هم پیوسته، در هسته همه معانی وجود دارد. به اصطلاح قرآن کریم: فضای «احکام» یا جمع که در نزول دفعی قرآن به صورت یکپارچه در شکل معنایی صرف بدون لفظ و عبارتی برقلب پیامبر نازل شده است، درمقابل فضای «تفصیل» یا فرق که در بستر زبانی وسیعی با همه پیچیدگی‌های زبانی و معنایی در نزول تدریجی گسترده شده است. پس فهم و کشف معنای قرآنی میسر نیست به همان مرکزیت معنایی و توجه به یکدست بودن معنای قرآن.

بالاخره اینکه قرآن به دلیل همین نوع نزول، فضایی چند لایه و چند بطنی دارد (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۷) که لایه‌های عمیق و بالایی آن وحدت و بسط دارند

^۱ «وَقَرَأْنَا فَرَقَانَهُ لِنُقَرِّأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مَكَّةَ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا» (الأشراء ۱۷/ ۱۰۶)

^۲ منظور از سوره، در اینجا هر واحد نزول است.

درحالی که لایه های پایینی و سطحی آن کثرت و لفظ. اما آنچه مهم است پیوستگی همه این لایه با هم است چرا که نزول قرآن از نوع نزول بدون تجافی است، مانند نور که وقتی از نقطه A به نقطه B برسد، نقطه A را خالی نمی‌کند و این برای قرآن این همانی^۱ ایجاد می‌کند به خلاف نزول با تجافی، مثل باران که قطره ای از نقطه A به نقطه B برسد، دیگر در نقطه A نیست؛ پس لازم و طبیعی است که برای فهم معنای چنین متنی که در بستر زمانی، بومی فرهنگی خاصی نازل شده است؛ اما نه چنانکه محدود به آن فضا شده باشد و از سویی احکام معنایی دارد در فضای پیوستگی و یکپارچگی معنا خود را انتظام بخشیده و بعد در لباس زبان ظهور کرده است بی آنکه تجافی داشته باشد؛ بلکه حضور معنایش را در مراتب نازله خویش، حفظ کرده است باید روشی را برگزینیم که باتوجه به این زیر ساخت ها، سه کارآمدی برای ما داشته باشد:

۱. توسعه معنایی: بررسی معنای توسعه یافته در خلال فهم تاریخی و در زمانی قرآن، مثلاً می‌دانیم که جهاد کم کم توسط پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام و دیگر فهم کنندگان قرآن از معنای خاص جنگ با اسلحه به کار در راه آسایش خانواده، صبر بر مصیبت و... نیز توسعه می‌یابد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۸). همان گونه که هجرت از معنای خاص، از دیاری به دیاری رفتن برای فرار از آزار دین ستیزان و آرامش یافتن برای بندگان خدا و حفظ اعتقادات و باورهای دینی و... به سفر برای طلب علم و... توسعه می‌یابد (شیخ الاسلام، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶).

البته برای دست یابی به این منظور در فضای مطالعات تفسیری، ملاحظه کلیت قرآن است و بررسی همه جانبه موضوع و در همه سطوح و ساحت های معنایی قرآن نازل شده در شرایط و موقعیت‌های متفاوت با فضاهای گوناگون حاکم بر هر سطح در هر بار نزول نیز لازم است؛ یعنی ممنوعیت نگاه جزئی‌نگر به یک بخش خاص یا آیه ای از قرآن بدون در نظر گرفتن بافتار و سیاق آیات.

۲. دلالت های ضمنی: در گام اول توجه به این نکته اساسی که هر مفهوم مطرح شده در ظاهر قرآن در باطن قرآن و لایه های عمیق تر معنایی آن، متناظری دارد، بی آنکه این

^۱ Identity

معانی در طول هم، یکدیگر را نفی کنند، بلکه هرکدام به مقتضای قانون مندی حاکم بر فضای خویش ظهور می یابند.

گام دوم، تعمیق موضوعات مطرح شده در قرآن و کشف سر و بعد باطنی و لایه‌های معنایی عمیق‌تر آن مثل جهاد که توسط پیامبر(ص) از صرف معنایی ظاهری خارج شد و به جهاد اکبر یا جهاد با نفس منتقل شد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۲)؛ یعنی رفتن از دلالت صریح به دلالت ضمنی، بی آنکه معنای دوم، معنای اول را نفی کند. یا هجرت که از حرکت جغرافیایی و تغییر محیط فیزیکی به هجرت از گناه و یا هجرت از بدی به خوبی‌ها تعمیق معنایی یافت (همان، ص ۲۳۵) و حتی این اتفاق درخور قرآن افتاد وقتی مفهوم ایمان از پذیرش بیرونی و اطاعت عملی به مراتب پذیرش قلبی و ایجاد صفات و ویژگی‌های اخلاقی منتقل شد و بسیاری نمونه‌های دیگر.

۳. معانی مبتنی بر استعاره و مجاز: باید دانست متنی که در لایه‌های مختلف معنایی شکل می‌گیرد و یا بهتر است بگوییم به خود شکل می‌دهد؛ در حالی که از یک معنایی واحد، تفصیل و گسترش یافته و در بستر متکثر الفاظ، خود می‌نماید و هم سعی در بیان معانی فرازمانی و فرامکانی دارد و... گریزی ندارد جز اینکه زبانی استعاری، رمز آلود و تأویل پذیر داشته باشد؛ چرا که امکان بیان معانی عمیق‌تر در لایه‌های ظاهری از یک سو و معانی فرازمانی و فرامکانی در بستر تاریخی مشخص از سویی دیگر، جز به استفاده از «استعاره و مجاز» امکان پذیر نیست.

علاوه بر تعمیم این نظریه در همه مفاهیم قرآنی، بارزترین نمونه این ادعا، مثال بهشت در بیان قرآن مجید است. چراکه انتقال عریان معانی جهان معنا به جهان ماده و هم شکل کردن آن با ذهنیت مخاطبین قرآن ممکن نیست. مگر در مثال‌ها و تشبیهاتی هم شکل با فهم خود آنها. برای همین قرآن همه نعمت‌های بهشت را در قالب مثال بیان کرده است:

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ...﴾ (الرعد ۱۳/۳۵)

معناشناسی قرآن کریم

قرآن کریم که گنجینه علوم اسرار الهی و تبیان همه چیز و نور مبین است. برای هدایت و کمال زندگی فردی و اجتماعی انسان آمده است و دارای محکمت و متشابهاتی است، که فهم آنها نیازمند قواعد، اصول و معیارهایی است. تصریحات قرآن بر اصل بودن محکمت و پرهیز از اخذ به متشابهات، مبری بودن خداوند از سخن غیرعالمانه و ناحق، مبین بودن گیرنده وحی، نکته‌آموزی‌های پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در راهبرد فهم و تفسیر معتبر قرآن و هشدارهای مکرر نسبت به خطاها و انحرافهای تفسیری و ... همه نشان‌دهنده اهمیت معرفت روش‌مند قرآن است. راز این همه اهمیت آن است که قرآن جاوید می‌خواهد انسان را تعالی بخشیده و جاوید سازد و زمینه‌ساز حیات مینوی انسان شود و این هدف هنگامی میسر می‌گردد که حقایق قرآن، آن گونه که هست، آیین‌مند شناخته شود؛ بر این اساس معناشناسی و چگونگی تفسیر قرآن کریم از دغدغه‌های دیرین قرآن‌باوران راستین بوده است و تدوین قواعد، اصول، معیارها و شرایط تفسیر از همان سده‌های نخست، نشان از اهمیت دایمی این موضوع در میان مسلمین است.

تعمق اندیشمندان مسلمان در آثار ادبی همچون: لغت، معانی، بیان و فراگیری علوم مقدماتی تفسیر، اصول فقه، کلام، علوم قرآن و ... برای پالایش روشهای صحیح معرفت دینی و بازساخت این کتاب آسمانی بوده است و دستاورد این تلاشهای موفق و میراث علمی ارجمند، پردازش و تدوین نظریاتی ارزشمند در حوزه‌های علمی یاد شده و آیین علمی معناشناسی متون دینی و اصول و راهکارهای آن است.

اما روشن است که گذشت زمان و گسترش تحولات فرهنگی و اجتماعی، و رشد علوم مختلف، پرسش‌های جدیدی را درافکنده که نمی‌توان تنها براساس میراث علمی کهن، این پرسش‌های نوپدید را به چالش کشاند. پیدایش نگرش‌های نوین در زبان‌شناسی جدید، نشانه‌شناسی، هرمنوتیک، معناشناسی و ... پرسش‌های بسیار دقیقی را پدید آورده است که افق نگاه به آنها، بسترهای ویژه‌ای را در تفسیر و معناشناسی فراهم ساخته و رهیافت‌های متفاوتی را در پی داشته است؛ بنابراین گزاف نیست اگر گفته شود موضوع

«معرفت دینی و چگونگی معناپژوهی متون دینی» از جدی‌ترین محورها در عرصه پژوهش‌های دینی در عصر حاضر است. از این رو بایسته است که مراکز علمی تحقیقی حیطه علمی خود را در فضای این مباحث و رویکردها قرار دهند و با تکیه بر بنیادهای علمی و معرفتی خویش، حضوری روزآمد داشته باشند (شریفی‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۴).

بزرگ واژه‌شناس قرآن، «راغب اصفهانی» در این مورد چنین می‌گوید:
 «اولین چیزی که برای فراگیری قرآن نیاز هست، علوم لفظی است و یک شعبه از علوم لفظی، تحقیق در الفاظ و «واژه‌های قرآن» است، پس آموختن معانی لغات و واژه‌های قرآن، نخستین یاور و ابزار است برای کسی که می‌خواهد معانی و مفاهیم قرآن را درک کند، همانند تحصیل خشت برای معمار که از ضروری‌ترین ابزارهای وی برای ساختن ساختمان به شمار می‌رود.»

بر این اساس از همان سده‌های نخستین تاریخ اسلام، عده‌ای از دانشمندان و متفکران اسلامی به این مهم همت گماردند و این مشکل را تا حد نسبتاً مطلوبی حل کردند؛ حتی برخی معتقدند که تدوین فرهنگ‌های «واژه‌شناسی قرآن» بر تدوین تفسیر آن مقدم بوده است، و لیکن بعضی می‌گویند: تدوین و تهیه «غریب القرآن» با گردآوری تفسیر همزمان بوده است.

اولین کسی که در مورد توضیح و تبیین واژه‌های قرآن، گام برداشت شاگرد ارجمند مولای متقیان و امیر مومنان علی (ع)؛ یعنی عبد الله بن عباس (متوفای ۸۶ هجری قمری) بود. در این زمینه

می‌گویند نافع بن ارقم حدود دویست کلمه از قرآن را که معانی آنها روشن و واضح نبود، نزد ابن عباس آورد و از وی خواست تا آنها را برایش توضیح دهد، آنگاه ابن عباس آن واژه‌ها را با استشهاد به اشعار دوران جاهلیت برای نافع توضیح و شرح داد.

باری در طی قرون متمادی، واژه‌شناسی قرآن کم و بیش ادامه داشت و برخی از دانشمندان اسلامی به این شاخه از علوم قرآن می‌پرداختند، اما تنها فردی که در این میان گوی سبقت را از همگان ربود و امام و رئیس این فن به شمار می‌آید، ادیب شهیر و لغت‌شناس خبیر «راغب اصفهانی» است، وی در واژه‌شناسی قرآن اثری بی‌همتا و جاودان به نام